

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۲۵ - ۵۱

واژه‌بست در کردی کلهری ایلامی

حبیب گوهری^{۱*}، مهدی مهدی‌زاده^۲، غلامحسین کریمی دوستان^۳، طیبه خوشبخت^۴

۱- استادیار زبان‌شناسی همگانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۲- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۳- استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- استادیار زبان‌شناسی همگانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

چکیده

واژه‌بست‌ها واحدهای زبانی حد واسط بین واژه و وند هستند که هم بعضی از خصوصیات واژه و هم بعضی از ویژگی‌های وند را دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی واژه‌بست در گویش کردی کلهری ایلامی صورت گرفته است. این بررسی به روش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن با مراجعه به منابع متعدد گویش کردی کلهری ایلامی و نیز شم زبانی نگارندگان این تحقیق تهیه شده است. الگوهایی که برای تشخیص این واژه‌بست‌ها در این مقاله به کار برده شده‌اند، همان معیارهایی هستند که شقاقی (۱۳۷۴) برای بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در زبان فارسی از زویبکی و پولوم (۱۹۸۳) اقتباس کرده است. بررسی داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های این گویش عبارتند از: ضمائر شخصی پی‌بستی، افعال ربطی، نشانه مفعول، نشانه معرفه، نشانه نکره، نشانه ماضی بعید و نشانه مجهول. در میان این واژه‌بست‌ها، واژه‌بست‌های ضمیری (ضمائر شخصی) نقش مطابقه‌ای دارند. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که می‌توان از الگوی زویبکی و پولوم (۱۹۸۳) به عنوان ابزاری علمی و البته مناسب برای تشخیص و مطالعه واژه‌بست‌های زبان کردی استفاده کرد. نکته تازه و دستاورد جدید این پژوهش شناسایی واژه‌بست «*ŷ*» به عنوان نشانه معین در فعل ماضی بعید و نیز استفاده از واژه‌بست «*ĵâ*» برای مجهول است.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۷ آذرماه ۹۸
پذیرش: ۲۵ فروردین‌ماه ۹۹

واژه‌های کلیدی:

واژه‌بست
وند
مطابقه
گویش کلهری
کردی ایلامی

۱. مقدمه

علاوه بر وندها، طبقه دیگری از تکواژهای وابسته وجود دارند که واژه‌بست نامیده می‌شوند. واژه‌بست‌ها حد فاصل بین وند و واژه می‌باشند (کاتامبا^۱ و استونهام^۲، ۲۰۰۶: ۳۳۷). سازه‌های زبانی به سه صورت واژه، وند و واژه‌بست نمود می‌یابند. هر کدام از این سازه‌ها، رفتارها و ویژگی‌های خاصی دارند. زبان‌شناسان همواره در تلاش هستند تا با ارائه اصول زبانی به توصیف پدیده‌ها و بررسی جهانی‌های زبانی بپردازند. واژه‌بست یکی از موضوعاتی می‌باشد که همواره توجه زبان‌شناسان را به خود معطوف کرده است. واژه‌بست، تکواژ وابسته‌ای است که به دنبال واژه می‌آید، اما جزو ساخت‌واژه نیست. واژه‌بست رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهد؛ از یک سو مانند وندها به پایه و میزبان نیاز دارد و از سوی دیگر همانند واژه مستقل، نقش دستوری را نشان می‌دهد. شناسایی و توصیف واژه‌بست‌ها از دیگر سازه‌های زبانی، در تحلیل نظری یا رده‌شناختی یک زبان ضروری می‌نماید. در این مقاله به بررسی و توصیف واژه‌بست‌ها در گویش کردی کلهری پرداخته می‌شود. گویش کردی کلهری یکی از گویش‌های زبان کردی است که در دسته‌بندی‌های گویشی، در شاخه جنوبی از زبان کردی جای می‌گیرد. زبان کردی زبانی پیوندی^۳ محسوب می‌شود. در زبان‌های پیوندی برای ساخت واژه جدید پسوند به پایه کلمه افزوده می‌شود، پایه ثابت می‌ماند و واژه‌سازی با وندافزایی صورت می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

واژه‌بست از کلمه یونانی «klino» به معنی «تکیه‌دادن» به‌وجود آمده است (کلاونس^۴، ۱۹۸۲: ۷). واژه‌بست‌ها را اولین بار واکرناگل^۵ (۱۸۹۲) در مطالعات تاریخی زبان‌های هند و اروپایی شناسایی کرد و آن‌ها را عناصر جایگاه دوم نامید (زوئیکی^۶، ۱۹۷۷: ۱۹). زوئیکی (۱۹۷۷) در نیمه دوم قرن بیستم، واژه‌بست‌ها را به انواع ساده و ویژه تقسیم کرد. درباره واژه‌بست در زبان‌ها

1 F. Katamba

2 J. Stonham

3 agglutinative

4 J. Klavans

5 J. Wackernagel

6 A. Zwicky

و گویش‌های مختلف مطالعات و بررسی‌های زیادی صورت گرفته‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از کارهای زویبکی (۱۹۷۷)، کلاونس (۱۹۸۵)، تیلورا^۱ (۱۹۹۰)، اسپنسر^۲ (۱۹۹۱)، اندرسون^۳ (۱۹۹۲)، کاتامبا (۱۹۹۳)، هالپرن^۴ (۱۹۹۵)، آیخن‌والد^۵ (۲۰۰۳) و روسی^۶ (۲۰۰۸) نام برد. این مطالعات الگوهایی را برای تشخیص واژه‌بست در سایر زبان‌ها معرفی کرده‌اند. در ایران، محققان عمدتاً از آزمون‌های تشخیص واژه‌بست که در پژوهش‌های غیر ایرانی مطرح شده‌اند، استفاده کرده‌اند و از جمله آن‌ها می‌توان به شقاقی (۱۳۷۴)، ممسنی (۱۳۸۰)، مفیدی (۱۳۸۶)، راسخمهند (۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹)، نغزگوی کهن (۱۳۸۹)، نورعلی‌وند (۱۳۹۰)، صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، مزینانی، کامبوزیا و گلفام (۱۳۹۲، ۱۳۹۴) و مزینانی و شریفی (۱۳۹۴) اشاره کرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

مطالعات انجام‌شده در حوزه صرف و نحو نشان می‌دهند که در غالب زبان‌های دنیا واحدهای وابسته‌ای میان واژه و تکواژ وجود دارند که اعتقاد به تقسیم‌بندی تکواژها به دو گروه آزاد و وابسته را به چالش می‌کشند. بر اساس مطالعات ساختوازی انجام گرفته، این واحدهای زبانی هم بعضی از خصوصیات واژه را دارند و هم دارای بعضی از خصوصیات تکواژهای وابسته هستند اما به لحاظ صرفی یک واژه به حساب نمی‌آیند. این واحدهای بینابینی را واژه‌بست می‌نامند (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲). واژه‌بست تکواژ دستوری وابسته‌ای است که ضمن ایفای نقش دستوری، در ساخت‌های دستوری بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد. واژه واجی در واقع یک گروه یا ساخت نحوی است که از نظر آوایی همانند یک واژه تلفظ می‌شود اما از نظر صرفی یک واژه به‌شمار نمی‌رود. واژه‌بست در طبقه وندها نیز قرار نمی‌گیرد زیرا وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را به قرینه حذف کرد.

- 1 A. Taylor
- 2 A. Spencer
- 3 S. R. Anderson
- 4 A. Halpern
- 5 A. Y. Aikhenvald
- 6 C. Rucci

واژه‌بست‌ها با توجه به جایگاه اتصال‌شان به پایه، به دو دسته پیش‌بست^۱ و پی‌بست^۲ تقسیم می‌شوند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۷۴).

واژه‌بست‌ها طبقه دیگری از تکواژهای وابسته‌اند که حد فاصل بین وند و واژه‌بست می‌باشند. واژه‌هایی که واژه‌بست به آن‌ها اضافه می‌شوند، میزبان^۳ نامیده می‌شوند. واژه‌بست‌ها می‌توانند به ابتدا یا پایان میزبان‌شان اضافه شوند. واژه‌بستی که به ابتدای واژه میزبان متصل می‌شود، پیش‌بست، و واژه‌بستی که به پایان واژه میزبان اضافه می‌شود، پی‌بست نامیده می‌شود (کاتامبا و استونهام، ۲۰۰۶: ۳۳۷-۳۳۸). کریستال^۴ (۲۰۰۸: ۸۰) واژه‌بست را اصطلاحی می‌داند که در دستور برای اشاره به صورتی به کار برده می‌شود که شبیه یک واژه است اما نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقل در یک پاره‌گفتار طبیعی به کار برده شود و از نظر آوایی به واژه مجاور یا میزبان خود وابسته است. روسی (۲۰۰۸: ۲۰۹) می‌گوید که واژه‌بست‌ها را نمی‌توان به مقوله واحدی نسبت داد. او واژه‌بست‌ها را تکواژهای وابسته‌ای می‌نامد که نقش‌های متنوع صرفی-نحوی و معنایی-کاربردی را برعهده دارند. بوی^۵ (۲۰۰۷: ۱۶۶) واژه‌بست را واژه کوچک دستوری غیرواژگانی می‌نامد که به واژه پیش یا پس از خود تکیه می‌کند و به تنهایی در ساخت واجی به کار نمی‌رود و از این رو به وندها شباهت دارد. به نظر بوی (۲۰۰۷) واژه‌بست‌ها از لحاظ صرفی و نحوی واژه محسوب می‌شوند اما از لحاظ واجی یک واژه به شمار نمی‌روند. اسپنسر (۱۹۹۱: ۳۵۰) دلایلی را در مورد لزوم شناخت و بررسی واژه‌بست‌ها بیان می‌کند که عبارتند از: یک. شناخت این عناصر به منظور ارائه یک نظریه جامع در حوزه ساخت‌واژه تصریفی لازم است. بنابراین، نظام واژه‌بستی باید حد و مرزهای خود را از نظام تصریفی جدا کند. دو. شناخت ماهیت واژه‌بودن، تا حدی به تعریف واژه‌بست‌ها بستگی دارد. سه. بسیاری از مباحثی که در نحو دیده می‌شوند به ماهیت واژه‌بست‌های ضمیری مربوط هستند.

1 proclitic

2 inclitic

3 host

4 D. Crystal

5 G. Booij

واژه‌بست‌ها صورت‌های وابسته‌ای هستند که از بسیاری جهات صورت بینابین واژه‌های کامل و وندها را دارند. بنابراین، برای تشخیص واژه‌بست از وند، به معیارهای تشخیصی نیاز داریم که تمایز میان واژه‌بست و وندها را نمایش دهند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای شناخت و طبقه‌بندی واژه‌بست صورت گرفته‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به طبقه‌بندی‌های زوییکی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵)، کلاونس (۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) و زوییکی و پولوم^۱ (۱۹۸۳) اشاره کرد. آنان با توجه به دشواری تمیز واژه‌بست از واژه‌ها و سایر تکواژهای وابسته، تعدادی آزمون و پارامتر معرفی کرده‌اند که با استفاده از آن‌ها می‌توان واژه‌بست‌ها را شناسایی و طبقه‌بندی کرد. تکواژهای دستوری وابسته زبان را می‌توان بر مبنای آزمون زوییکی و پولوم به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کرد. اتصال واژه‌بست به پایه و حوزه عملکرد آن‌ها را نیز می‌توان با استفاده از پارامترهای پیشنهادی کلاونس تعیین کرد (شقاقی، ۱۳۷۴). کلاونس ادعا می‌کند آن چه باعث جداکردن واژه‌بست‌ها از واژه‌ها یا وندها می‌شود، آن است که معمولاً واژه‌بست‌ها از نظر نحوی به گروه می‌چسبند و این گروه است که حوزه عملکرد واژه‌بست محسوب می‌شود. از این دیدگاه، واژه‌بست از وند که به طبقه واژه اضافه می‌شود، متفاوت است. به همین دلیل کلاونس اصطلاح وند گروهی^۲ را برای اشاره به واژه‌بست‌ها به کار می‌برد. پیشنهاد اصلی کلاونس این است که در هر نظام واژه‌بستی، علاوه بر مشخص کردن حوزه واژه، باید ارزش‌های این سه پارامتر را تعیین کند که آیا واژه‌بست به ابتدا و به انتهای حوزه عملکرد خود اضافه می‌شود و دارای ارزش آغازین یا پایانی است. دوم آن که، آیا واژه‌بست قبل یا بعد از سازه حاشیه‌ای^۳ حوزه قلمرو خود به کار برده می‌شود. در نهایت، پارامتر سوم مشخص کند که از نظر واجی واژه‌بست به سمت چپ یا راست واژه میزبان اضافه می‌شود؛ یعنی پیش‌بست یا پی‌بست است. کاتامبا و استونهم به نقل از زوییکی و پولوم (۱۹۸۳) وجه تمایز واژه‌بست از وند را این گونه بیان می‌کنند:

واژه‌بست‌ها میزان کمی از پایبندی به انتخاب میزبان‌شان را از خود نشان می‌دهند. در حالی که، وندها میزان بالایی از پایبندی به انتخاب پایه از خود نشان می‌دهند. در وندها خلاء اتفاقی بیش‌تر از واژه‌بست‌ها دیده می‌شود. ویژگی‌های منحصر به فرد صرفی و معنایی وندها بیش

1 G. pullum

2 Phrasal affix

3 Periphral constituent

تر از واژه‌بست‌ها است. قواعد نحوی بر وندها اعمال می‌شود؛ حال آن‌که، این قواعد بر واژه‌بست‌ها بی‌تأثیر هستند. واژه‌بست‌ها می‌توانند به واژه‌بست‌های همجنس خود بچسبند، اما وندها نمی‌توانند به وندهای همجنس خود اضافه شوند (کاتامبا و استونهام: ۲۰۰۶، ۳۳۹).

وند اشتقاقی نقش واژه‌سازی دارد و اغلب نوع جدیدی از واژه را می‌سازد، یعنی مقوله کلمه را عوض می‌کند. وند تصریفی نقش نحوی دارد و برای ایفای نقش معینی در ساخت‌های نحوی به کار می‌رود. معمولاً برای بیان شمار (مفرد، جمع)، زمان (حال، گذشته و آینده)، شناسه‌های فعلی، مقایسه صفت (ساده، برتر و برترین)، وجه فعل، نمود فعل و غیره به کار می‌رود. وند اشتقاقی برای ساختن مقوله‌های دستوری جدید از یک پایه به کار می‌رود. وندهای اسم‌ساز، صفت‌ساز، فعل‌ساز، قیدساز، اسم مصدر، اسم ابزار و غیره از نوع وندهای اشتقاقی هستند.

واژه‌بست ساده: در محاوره و یا در بعضی بافت‌های زبانی، زمانی که یک واژه از نظر واجی کوتاه می‌شود، این صورت کوتاه و بی‌تکیه به واژه مجاور متصل می‌شود و قواعد آوایی بر نحوه اتصال آن حاکم می‌شود. این تکواژ وابسته از نظر نحوی، توزیعی همسان و برابر با گونه کامل خود دارد؛ ارتباط معنایی و آوایی آن با گونه کامل نیز روشن و شفاف است. نمونه زیر برگرفته از شقاقی (۱۳۷۴: ۱۴۵) است:

۱. سالار اون کتابو بده به من: سالار اون کتاب را بده به من.

نشانه مفعولی «را» به صورت نشانه «و» به واژه ماقبل خود اضافه شده است.

واژه‌بست ویژه: همه واژه‌بست‌هایی که واژه‌بست ساده نیستند، واژه‌بست ویژه به شمار می‌روند. در زبان فارسی «ی» نکره و بعضی ضمائر پیوسته واژه‌بست ویژه محسوب می‌شوند. «ی» نکره صورت کامل ندارد و توزیع بعضی ضمائر پیوسته منطبق بر صورت کامل خود نیست. به هر حال، انجام این پژوهش به چند دلیل ضروری به نظر می‌رسد. از یک سو، با انجام و ثبت چنین پژوهش‌هایی می‌توان گویش‌ها را از نابودی حفظ کرد و آن‌ها را در مطالعات تاریخی-تطبیقی زبان فارسی و بررسی صحت و سقم دستور زبان‌های باستانی به کار برد. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که با محوریت بررسی انواع واژه‌بست‌ها صورت می‌گیرند برای تدوین نظریه ساخت‌واژی جامع اهمیت خاصی دارند. واژه‌بست‌ها در کردی جنوبی کلهری طبقات مختلف دستوری مانند ضمائر متصل، افعال ربطی، نشانه مفعول، نشانه معرفه، نشانه نکره، نشانه ماضی بعید و نشانه

مجهول را تشکیل می‌دهند و می‌توانند به واژه‌های میزبان^۱ متفاوتی اضافه شوند که از نظر نحوی به طبقه‌های دستوری متفاوتی تعلق دارند. بنابراین، مطالعه واژه‌بست‌ها به دلایل متعددی از جمله تداخل ساخت‌واژی و نحو، وجود تعاریف گوناگون و تفاوت ساختاری در زبان‌های گوناگون همواره از پیچیده‌ترین مباحث مورد مطالعه واژه‌شناسان و متخصصین علم نحو بوده است. با وجود تحقیقات گوناگونی که در مورد واژه‌بست در بسیاری از گویش‌های ایران انجام گرفته‌اند، تا آن‌جا که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون واژه‌بست گویش کردی جنوبی کلهری مورد مطالعه قرار نگرفته است و نیاز به انجام چنین پژوهشی لازم و ضروری است. از این رو، هدف اصلی این پژوهش تشخیص و بررسی واژه‌بست‌ها و نقش مطابقه‌ای آن‌ها در بازنمایی روابط دستوری در گویش کردی کلهری با استفاده از معیارها و چارچوب‌های تشخیص واژه‌بست می‌باشد که توسط شقاقی (۱۳۷۴) مطرح شده است.

چارچوب اصلی این پژوهش همان چارچوبی است که شقاقی از زویبکی و پولوم (۱۹۸۳) اقتباس کرده است. در این پژوهش به دلیل شباهتی که در جایگاه و قرارگیری واژه‌بست در زبان فارسی و کردی وجود دارد، آزمون‌های پیشنهادی زویبکی و پولوم به عنوان الگوهای شناخت واژه‌بست از وندها در زبان کردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. شقاقی این آزمون‌ها را به سه گروه آوایی، صرفی و نحوی تقسیم می‌کند.

۱-۳. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش از گویش جنوبی کلهری زبان کردی جمع‌آوری شده‌اند. این گویش یکی از گویش‌های شمالی استان ایلام است و در شهرستان‌های ایلام، مهران، ایوان، چرداول و سیروان بدان تکلم می‌شود. گویش جنوبی کلهری دارای خصوصیات آوایی و واجی خاص خود می‌باشد. برای آوانگاری داده‌های جمع‌آوری شده از آوانگاری بین‌المللی^۲ استفاده شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. نگارندگان برای گردآوری داده‌های این پژوهش، علاوه بر بهره‌گرفتن از شم زبانی خود به عنوان گویشوران کردزبان گویش جنوبی کلهری از گفتار

^۱ واژه‌های میزبان در کردی کلهری فعل، اسم و صفت هستند.

^۲ 2 International Phonetic Alphabet (IPA)

سخنگویان شهر ایلام به عنوان منبع داده‌ها نیز استفاده کردند. روش انجام این پژوهش بر اساس جمع‌آوری ۳۰۰ جمله گویش کردی کلهری، از طریق مصاحبه با گویشوران کردزبان ایلامی صورت گرفت. برای حفظ یک‌دستی، عینیت، اعتبار و روایی تحقیق، گونه مورد استفاده در روستای زنجیره از توابع شهرستان چرداول از استان ایلام به عنوان ملاک کار انتخاب شد. برای برطرف کردن اشکالات و شبه‌های دستوری، از کتاب‌های دستوری مرتبط نیز کمک گرفته شد.

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

۴-۱. آزمون آوایی

واژه‌بست از نظر تکیه متکی به عنصر دیگری است، اما واژه از نظر تکیه مستقل است (شقاقی، ۱۳۷۴: ۱۴۶). بر اساس آزمون آوایی، زبان کردی به هنگام اضافه‌شدن وندهای تصریفی و اشتقاقی همانند زبان فارسی عمل می‌کند؛ به این معنی که افزودن وندهای تصریفی و اشتقاقی اغلب جایگاه تکیه را تغییر می‌دهد. برای مثال «کتاب» واژه‌ای مستقل است که تکیه دارد و تکیه در این کلمه بر روی هجای دوم قرار می‌گیرد. با افزودن وند (تصریفی/ اشتقاقی) جای تکیه تغییر می‌کند:

1) $kə. 'tāw + -ajl \rightarrow katāw- 'ajl'$

book + -PL

کتاب‌ها \rightarrow ها + کتاب

با اضافه‌شدن پسوند تصریفی جمع، تکیه از هجای دوم به هجای سوم تغییر می‌کند. اما هنگام اضافه‌شدن واژه‌بست تکیه بر روی واژه‌بست قرار نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که واژه‌بست در کلمات آزاد و مستقل کردی کلهری تکیه نمی‌گیرد:

2) $kə. 'tāw + əm \rightarrow kə. 'tā. wəm$

book + 1.SG POS

کتاب من \rightarrow م+کتاب

۲ همه نشانه‌های آوایی در این پژوهش برگرفته از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) است.

در این مثال همان‌طور که مشاهده می‌شود، واژه‌بست که در آخر و هجای پایانی آمده، بدون تکیه است. مطالعه داده‌های جمع‌آوری‌شده این پژوهش نشان می‌دهد که به هنگام اضافه شدن دو تکواژ وابسته وند و واژه‌بست، تکواژ وابسته وند تکیه می‌گیرد و واژه‌بست در کنار وند بدون تکیه می‌ماند.

3) *mât+ əjl+ əm* → *mâ. 'təj. ləm*

house+PL +1.SG PO

خانه‌هایم → م + ها + خانه

4) *dâr+ əjl+ əm* → *dâ. 'rəj. ləm*

tree+PL +1.SG POS

درخت‌هایم → م + ها + درخت

این آزمون می‌تواند در تشخیص واژه‌بست از وند در گویش کردی کلهری استفاده شود.

۲-۴. آزمون صرفی

واژه‌بست‌ها به وندها به‌ویژه وند تصریفی شباهت دارند. حال آن‌که از جهاتی دیگر مانند واژه هستند. برای تمایزگذاشتن بین این سه گروه، از چهار آزمون صرفی موسوم به وابستگی، جلوگیری از وند افزایی، توزیع و خلاء اتفاقی استفاده می‌شود.

۱-۲-۴. وابستگی: وندها عناصر وابسته و واژه‌ها عناصر آزاد زبان هستند. واژه‌بست‌ها نیز

وابسته‌اند و به تنهایی در ساخت به‌کار نمی‌روند. برای مثال، استفاده از پی‌بست ضمیری «ت» در کردی کلهری به عنوان هسته گروه اسمی، موجب نادرستی شدن جمله (۶) می‌شود، چرا که باید متصل به یک پایه در ساخت جمله باشد:

*5) *əd la mât hâwərdəm*

1.SG POS house bring. PAST

* «ت» از خانه آوردم.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، استفاده از ضمیر پی‌بستی «ت» در کردی کلهری به عنوان هسته گروه اسمی که به تنهایی در ابتدای جمله آمده، باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود. در این‌جا نیز آزمون وابستگی برای تمایزگذاشتن بین واژه و واژه‌بست به‌کار می‌رود.

۲-۲-۴. **جلوگیری از وندافزایی:** بعضی از وندهای تصریفی مانع از افزودن وند جدیدی به پایه می‌شوند. واژه‌بست نیز مانع از وندافزایی و گاه واژه‌بست‌افزایی می‌شود. برای مثال، با افزودن وندهای اشتقاقی «یش»، «-گاه» و «-ی» به ستاک فعل مضارع «دان» از فعل «دانستن» می‌توان به ترتیب سه واژه «دانش»، «دانشگاه» و «دانشگاهی» را ساخت. چنان‌چه به واژه «دانشگاه» پسوند جمع «-ها» بیفزاییم، دیگر نمی‌توان پسوند اشتقاقی «-یی» موسوم به یای نسبت را افزود؛ اما می‌توان به کلمه «دانشگاهی» پسوند جمع «-ان» یا «-ها» را اضافه کرد و کلمه‌های «دانشگاهیان» و «دانشگاهی‌ها» را به دست آورد. همه وندهای تصریفی قادر به جلوگیری از وند مجدد نیستند و این ویژگی را نمی‌توان با قاعده‌ی عام توصیف کرد. به عنوان نمونه، با افزودن پسوند تصریفی «-تر» یا نشانه‌ی صفت برتر به صفت «بزرگ» کلمه «بزرگ‌تر» ساخته می‌شود. حال اگر کلمه «بزرگ‌تر» به جای اسم به کار برود، می‌توان پسوند جمع «-ها» را به آن افزود، مانند «بزرگ‌ترها». هر گاه واژه‌بست به پایه متصل شود، دیگر نمی‌توان به مجموعه (پایه+واژه‌بست) هیچ نوع وند صرفی^۱ را اضافه کرد. همان‌گونه که مثال شماره (۶) نشان می‌دهد، امکان اتصال چند واژه‌بست در زبان فارسی وجود دارد:

(۶) کتاباشونم (کتاب-ها-ی-شان-هم)؛ کتابامونو (کتاب-ها-ی-مان-را).

اما اتصال واژه‌بست به پایه از اضافه‌شدن وندهای دیگر جلوگیری می‌کند:

(۷) *کتابم‌ها ← با متصل شدن پی‌بست ضمیری «م» به پایه، از اضافه‌شدن وند «-ها» جلوگیری می‌شود.

می‌توان از آزمون جلوگیری از وندافزایی برای تشخیص وند از واژه‌بست در زبان کردی کلهری استفاده کرد. بررسی داده‌ها در این زبان نشان می‌دهد که وندها و واژه‌بست‌های اضافه شده به ستاک یا پایه، از افزوده‌شدن وند جدید به پایه و همچنین واژه‌بست‌افزایی جلوگیری می‌کنند و امکان اضافه‌شدن تکواژهای وابسته دیگر را به وندها و واژه‌بست‌هایی نمی‌دهند که به ستاک اضافه شده‌اند.

1. morphological

وند اشتقاقی:

8) *rish+əg* → *rishəg*

root+Driv

ریشه = وند

اشتقاقی+ریش

*9) *rish+əjl+əg* → *rishəjləg*

root+PL+Driv

*ریشه‌ها = وند اشتقاقی+نشانه

جمع+ریش

وند تصریفی:

10) *xâs+əjl* → *xâsəjl*

Good+PL

خوبان → وند تصریفی+خوب

*11) *xâs+əjl+i* → *xâsəjli*

Good+PL+Affix

خوبانی → وند اشتقاقی+وند تصریفی+خوب*

واژه‌بست:

12) *kâtâw+əm* → *kâtâwəm*

book+1.SG

POS

کتابم → واژه‌بست+کتاب

*13) *kâtâw+əm+əjl* → *kâtâwəməjl*

book+1.SG POS+PL

*کتابم‌ها → وند تصریفی+واژه‌بست+کتاب

بنابراین با توجه به داده‌ها، می‌توان از این آزمون برای تشخیص وند از واژه‌بست استفاده

کرد.

۳-۲-۴. توزیع: واژه‌بست از محدودیت کم‌تری در گزینش واژه پایه برخوردار است، در حالی که وند فقط به پایه‌های خاصی متصل می‌شود. توزیع وندها براساس اصول عام صورت می‌گیرد. برای نمونه، پسوند نشانه جمع همیشه به پایه اسم متصل می‌شود، اما واژه‌بست را می‌توان به عناصر متفاوتی افزود.

14) *māhdi mālām-a*

Mahdi teacher is

مهدی معلم است.

15) *hawâ garm-a*

weather warm is

هوا سرد است.

16) *wâdamân sow-a*

Date -1.PL tomorrow is

وعده‌مان فرداست.

در جملات (۱۴)، (۱۵) و (۱۶)، پی‌بست «-a» به ترتیب به مقوله‌های اسم، صفت و قید اضافه شده است. برای تمیز وندهای اشتقاقی و تصریفی از واژه‌بست، از آزمون توزیع استفاده می‌شود.

۴-۲-۴. خلاء اتفاقی: واژه‌بست در تمامی جایگاه‌هایی که نحو تعیین کند، به کار می‌رود.

در ترکیب (واژه+واژه‌بست) خلاء اتفاقی مشاهده نمی‌شود، اما در ترکیب (واژه+وند) چنین خلاء‌هایی یافت می‌شوند. به عنوان مثال، با افزودن پسوند اشتقاقی «-ه» به ستاک زمان گذشته بعضی از فعل‌ها می‌توان صفت مفعولی ساخت. اما کلمه‌هایی چون *«دویده» یا *«توانسته» در فارسی معاصر کاربرد ندارند. پسوند تصریفی نشانه جمع «ها» و «ان» را می‌توان به رستنی‌ها و نباتات افزود (معین، ۱۳۴۰: ۵۳). کلماتی چون «درخت‌ها» یا «درختان» در فارسی کاربرد دارند، اما از دو صورت «بوته‌ها» و «بوته‌گان» فقط اولی در ساخت جمله به کار می‌رود.

داده‌های این پژوهش تفاوت مهمی را میان ساختمان واژگان کردی کلهری نسبت به فارسی نشان می‌دهند که این تفاوت نبود خلاء اتفاقی در ترکیب‌های واژه+واژه‌بست و واژه+وند تصریفی است. این بدان دلیل است که واژه‌بست و وند تصریفی در تمامی جایگاه‌هایی که نحو تعیین

می‌کند، به کار می‌روند و خلاء اتفاقی مشاهده نمی‌شود. اما در ترکیب واژه‌وند اشتقاقی خلاء اتفاقی وجود دارد. به عنوان مثال، در کردی کلهری وند تصریفی نشانهٔ جمع «*ajl*» و وند تصریفی نشانهٔ صفت برتر «*tər*» در واژه‌هایی همانند «*kwərəjl*» (پسرها)، «*sānəjl*» (سنگ‌ها) و «*xāstər*» (خوبتر) و «*gantər*» (بدتر) می‌توانند در پایان همهٔ اسم‌ها و صفت‌های کردی بیایند. به همین صورت واژه‌بست‌های ضمیری می‌توانند در پایان ستاک‌های فعلی و نشانه‌های نکره و معرفه در پایان اسم‌ها واقع شوند. اما به عنوان مثال وند اشتقاقی نشانهٔ صفت مفعولی «*g*» در افعالی چون «*xwərjâg*» (خورده) و «*bərjâg*» (برده) ایفای نقش می‌کند؛ حال آن‌که، در «*djâg*» (دیده) و «*twanjâg*» (توانسته) در کلهری نادستوری هستند. از آزمون خلاء اتفاقی برای تشخیص واژه‌بست از واژه و وند اشتقاقی استفاده می‌شود.

۳-۴. آزمون نحوی

قواعد نحوی بر گروه یا سازهٔ نحوی جمله عمل می‌کنند. قواعد نحوی از قبیل حرکت و حذف به قرینه، بر ترکیب «واژه+واژه‌بست» مانند ترکیب «واژه+واژه» عمل می‌کنند؛ یعنی واژه بست را عنصری نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌کنند.

۳-۴-۱. قاعدهٔ حذف به قرینه: قاعدهٔ حذف به قرینه بر بخشی از کلمه عمل نمی‌کند و کل یک کلمه را می‌تواند حذف کند. به عنوان نمونه، قاعدهٔ حذف به قرینه در جملهٔ الف، کلمهٔ «علی» را از جملهٔ «علی رفت» و در جملهٔ ب، یکی از دو تکواژ وابستهٔ «م» را حذف می‌کند. (۱۷) الف. علی اینجا بود ولی رفت.

ب. خانه‌ام و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند. ← خانه و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند.

بررسی داده‌های کردی کلهری نشان می‌دهد که قاعدهٔ حذف به قرینه در این زبان وجود دارد:

18) *ârmin lajra by wali chaj*

Armin here was but go-PAST

آرمین این‌جا بود ولی رفت.

19) *mât-o madrasam wa ham nəzik-ən*

house-and school to gether near are

خانه و مدرسه‌ام به هم نزدیک هستند.

اما اگر در جمله حذف به قرینهٔ وند تصریفی یا اشتقاقی رخ دهد، جمله نادرستی می‌شود:

20) *dyat-ajl-aga-o kwər-ajl-aga hāt-ən*
girl-PL-DEF and boy-PL-DEF come-3.PL

دخترها و پسرها آمدند.

حال اگر وند تصریفی «*ajl*» از کلمه «*dyat*» در جمله‌های (۲۱) و (۲۲) حذف به قرینه شود، جمله نادرستی می‌شود:

*21) *dyat-o kwər-ajl-aga hāt-ən*
girl and boy-PL-DEF
come-3.PL

*دختر و پسرها آمدند.

*22) *jəj dyat-o kwər-ajl-aga hāt-ən*
One girl and boy-PL-DEF come-3.PL

*یک دختر و پسرها آمدند.

در جملهٔ زیر حذف به قرینهٔ وند اشتقاقی، باعث نادرستی شدن جمله شده است:

23) *xâs-i, gan-i frəj di*
good-AFFIX, bad- much see

AFFIX خوبی، بدی زیادی دید.

*24) *xâs, gani frəj di*
good-AFFIX, bad-AFFIX much see

*خوب، بدی زیادی دید.

با استفاده از این آزمون، واژه‌بست از وند تصریفی و وند اشتقاقی تشخیص داده می‌شود.

۲-۳-۴. قاعدهٔ حرکت: قاعدهٔ حرکت نیز بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند و می‌تواند کل

کلمه را در جمله جابه‌جا کند. هرگاه این قاعده بتواند یکی از دو بخش یک ترکیب $X+Y$ را بدون دیگری حرکت دهد، با واژه سروکار داریم. البته قلب نحوی در زبان فارسی مجاز است، هر چند در برخی زبان‌ها مانند انگلیسی مجاز نیست. در جملهٔ (۲۵)، کلمهٔ «نان» جابه‌جا شده است و جملهٔ حاصل دستوری است؛ اما جملهٔ (۲۶) به دلیل جابه‌جایی تکواژ وابسته غیر دستوری است:

25) *âmrîtâ nân xwârd* → *âmrîtâ xwârd nân*
 Armita lunch eat-PAST. → Armita eat-PAST lunch

آرمیتا خورد غذا. → آرمیتا غذا خورد.

26) *kâtâw-əd hâ ajra?* → **kâtâw hâ ajra-əd?*
 book-your-SG here is → *book here-is-your SG

* کتاب اینجاست؟ → کتابت اینجاست؟

در کردی کلهری به راحتی می‌توان با استفاده از آزمون حرکت، واژه‌بست را از واژه تشخیص داد و جدا کرد.

۴-۴. واژه‌بست در کردی کلهری

واژه‌بست‌ها در کردی کلهری مانند بیش‌تر زبان‌های دنیا نیز وجود دارند و به صورت فراوان مورد استفاده گویشوران آن قرار می‌گیرند. با توجه به پژوهش‌های نگارندگان این پژوهش، واژه‌بست‌ها در کردی کلهری تکواژهای دستوری هستند که به شکل ضمائر شخصی پی‌بستی، افعال ربطی، نشانه مفعول، نشانه معرفه، نشانه نکره و نشانه ماضی بعید استفاده می‌شوند و کاربرد دارند. ۴-۴-۱. ضمائر شخصی متصل: در کردی کلهر ضمائر شخصی متصل به صورت واژه‌بست‌های پی‌بستی به آخر اسم‌ها اضافه می‌شوند و با توجه به بافتی که در آن قرار می‌گیرند، صورت‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند.

ضمیر پی‌بستی اول شخص مفرد (*əm*)

27) a. *kâtâw-əm*

book-1.SG

POS

کتابم

b. *das-əm*

hand-1.SG POS

دستم

ضمیر پی‌بستی دوم شخص مفرد (*əd*)

28) a. *kətâw-əd*
book-2.SG POS

کتابت

b. *das-əd*
hand-2.SG
POS

دستت

ضمیر پی‌بستی سوم شخص مفرد (*əj*)

29) a. *kətâw-əj*
book-3.SG POS

کتابش

b. *das-əj*
hand-3.SG POS

دستش

ضمیر پی‌بستی اول شخص جمع (*əmân*)

30) a. *kətâw-əmân*
book-1.PL POS

کتابمان

b. *das-əmân*
hand-1.PL
POS

دستمان

ضمیر پی‌بستی دوم شخص جمع (*ətân*)

31) a. *kətâw-ətân*
book-2.PL POS

کتابتان

b. *das-ətân*
hand-2.PL POS

دست‌تان

ضمیر پی‌بستی سوم شخص جمع (*ajân*)32) a. *katâw-ajân*

book-3.PL POS

کتاب‌شان

b. *das-**ajân*

hand-3.PL POS

دست‌شان

داده‌های (۲۷) تا (۳۲) وقوع ضمائر شخصی در زبان کردی کلهری را به صورت واژه‌بست‌ها نشان می‌دهند. بر اساس آزمون آوایی، اضافه‌شدن وندها و واژه‌بست‌ها موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شود. به منظور تشخیص واژه‌بست از دیگر تکواژهای وابسته (وندهای تصریفی و اشتقاقی) می‌توان وندهای تصریفی جمع «*ajl*» را قبل از تکواژ واژه‌بستی قرار داد که به آخر واژه افزوده شده‌اند. در نتیجه این کار، تکواژ واژه‌بستی که خود دارای تکیه است، تکیه خود را با اضافه شدن وند تصریفی از دست می‌دهد. مثال:

33) *kə. 'tâw* → *kə.tâ. 'wəm* → *kə.tâ. 'wajl. əm*

کتاب‌هایم → کتابم → کتاب

حال اگر وند تصریفی جمع «*ajl*» به وند اشتقاقی اضافه شود، بعد از وند اشتقاقی قرار می‌گیرد. اما در صورتی که این وندها به واژه‌بست اضافه شوند، قبل از این تکواژ وابسته ظاهر و موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شوند. مثال:

34) *âsəŋ-ar- 'ajl*

iron-SBG-PL

آهن‌گرها → ها-گر-آهن

حال با کمک گرفتن از آزمون آوایی و تغییر جایگاه تکیه در واژه به خوبی می‌توان نشان داد که ضمائر پی‌بستی در داده‌های (۲۷) تا (۳۲) به شکل واژه‌بست به آخر واژه اضافه می‌شوند. به منظور ارائه نمونه‌های بیشتر، ضمائر پی‌بستی اول شخص جمع ارزیابی می‌شوند:

35) *daf. 'tar* → *daf.ta.rə. 'mân* → *daf.ta. 'rəjl.mân*

دفترهایِ مان → دفترِ مان → دفتر

36) *kâr. 'gar* → *kâr.gar. 'mân* → *kâr.gar. 'əjl.mân*

کارگرهایِ مان → کارگرِ مان → کارگر

۲-۴-۴. فعل ربطی: فعل‌های ربطی در کردی کلهری در دستهٔ واژه‌بست‌های ساده قرار

می‌گیرند و به گروه ۱- *a.s.as* - *u-2* تقسیم‌بندی می‌شوند. دستهٔ اول از صورت کامل فعل «*has*» و دستهٔ دوم از فعل کامل «*bu*» به ترتیب به معنی «است» و «بود» گرفته شده است. این افعال در کردی کلهری بیش‌تر به صورت پی‌بست بازنمایی می‌شوند و به پایان اسم و یا صفت اضافه می‌شوند. داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که این صورت‌های پی‌بستی افعال ربطی که به پایان واژه‌ها اضافه می‌شوند، صرف نمی‌شوند و صورت ثابتی دارند. مثال‌های (۳۷) تا (۴۲) نمونه‌هایی از اسم و صفت‌هایی هستند که پی‌بست‌های فعل ربطی به آن‌ها اضافه شده‌اند.

37) *sard-əm-u*

cold-1.SG-was.

سردم بود.

38) *sard-əd-u*

cold-2.SG-was.

سردت بود.

39) *sard-əm-a*

cold-1.SG-is

سردم است.

40) *sard-əd-a*

cold-2.SG-is

سردت است.

41) *mât-əm-u*

cold-1.SG -was

مال من بود.

42) *mât-əm-a*

cold-1.SG -is

مال من است.

فعل‌های ربطی در کردی کلهری از لحاظ ترتیب نحوی در پایان اسم و یا صفت قرار می‌گیرند و مفهوم «است» و «بود» را به آن می‌دهند. نگارندگان برای شناخت بیشتر این تکواژها و این‌که آیا می‌توان آن‌ها را در دسته‌ی واژه‌بست‌های پی‌بستی قرار داد یا خیر، از آزمون نحوی قاعده حذف به قرینه کمک گرفته‌اند. همان‌طور که گفته شد، قاعده حذف به قرینه بر بخشی از کلمه عمل نمی‌کند و کل کلمه را حذف می‌کند:

43) *ârmitâ batâjn-a wa rajân-a* → *ârmitâ batâjn... wa rajân-a*
armita tall-be3.SG and beautiful-be3.SG → *armita tall... and beautiful-be3.SG*

آرمیتا بلند و زیباست. → آرمیتا بلند است و زیباست.

اما در جمله‌ای که حذف به قرینه پسوند تصریفی یا اشتقاقی رخ می‌دهد، باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود:

44) *ârmin gwât-ajl-aga o dêr-ajl-aga âw dê*
armin flower -PL-OBJ and tree-PL-OBJ water-3.SG

آرمین گل‌ها و درختان را آبیاری کرد.

حال اگر در این جمله پسوند تصریفی «*ajl*» حذف به قرینه شود، جمله نادرستی می‌شود. مانند:

*45) *ârmin gwât... o dêr-ajlaga âw dê*
armin flower ... and tree-PL-OBJ water-3.SG

*آرمین گل و درختان را آبیاری کرد.

۳-۴-۴. نشانه مفعولی: مفعول کلمه‌ای است که بر کسی یا چیزی دلالت می‌کند که

فعل بر او واقع شده است (خانلری: ۱۳۷۷، ۶۳). اسم در نقش مفعولی در کردی کلهری معمولاً همراه پی‌بست «*a/ag/aga*» می‌آید. لازم به ذکر است که در صورت اضافه‌شدن وند تصریفی یا

اشتقاقی، نشانهٔ مفعولی به وند اضافه می‌شود. اما در صورت اضافه شدن واژه‌بست، جای نشانهٔ مفعولی تغییر نمی‌کند.

46) *se:f-aga baxwa*

apple-OBJ eat-IMP

سیب را بخور.

47) *se:f-ajl-aga baxwa*

apple-PL-OBJ eat-IMP

سیب‌ها را بخور.

48) *se:f-ajl-aga-mân baxwa*

apple-PL-OBJ-1.PL eat-IMP

سیب‌های من را بخور.

در کردی کلهری علاوه بر ضمائر متصل، افعال ربطی و نشانهٔ مفعولی در پایان اسم ظاهر می‌شوند و طبق آزمون‌های ارائه شده در این پژوهش، می‌توان به آسانی واژه‌بست بودن آن‌ها را شناسایی و از سایر تکواژهای وابسته متمایز کرد. همان‌طور که برای تشخیص واژه‌بست فعل‌های ربطی از آزمون نحوی قاعدهٔ حذف به قرینه استفاده شد، برای شناسایی واژه‌بست نشانهٔ مفعولی هم از قاعدهٔ حذف به قرینه کمک گرفته می‌شود.

49) *kâtâw-aga-o qatam-aga bwa*

book-OBJ -and pencil-OBJ take IMP

کتاب را و مداد را ببر.

50) *kâtâw ...ow qatam-aga bwa*

book ...and pencil-OBJ take IMP

کتاب و مداد را ببر.

51) *nân-aga-w panajr-aga xwârd-im*

beard-OBJ -and cheese-OBJ eat.PAST 1.PL

نان را و پنیر را خوردیم.

52) *nân...-o panajr-aga xwârd-im*

beard... -and cheese-OBJ eat.PAST 1.PL

نان و پنیر را خوردیم.

همان‌طور که گفته شد، حذف به قرینه در دیگر وندها (تصریفی و اشتقاقی) رخ نمی‌دهد و در صورت بروز آن، موجب نادستوری شدن جمله می‌شود. لازم به ذکر است که نشانهٔ

«a/ag/aga» بین مفعول و معرفه مشترک است و همزمان به عنوان نشانه معرفه نیز ایفای نقش می‌کند.

۴-۴-۴. نشانه نکره: «ajg»، «aj»، «jg» و «j» نشانه نکره در کردی کلهری می‌باشند که به صورت واژه‌بست پی‌بستی به پایان اسم‌ها اضافه می‌شوند، از نظر آوایی فاقد تکیه هستند، به کلمه ماقبل خود وابسته‌اند و به آن متصل می‌شوند:

53) *pjâ-j: pjâj*

man-INDF

مردی

54) *dâr-aj: dâ-râj*

tree- INDF

درختی

همان‌گونه که از داده‌های (۵۳) و (۵۴) بر می‌آید، نشانه نکره تکیه ندارد و به اسم چسبیده است.

۴-۴-۵. نشانه ماضی بعید: فعل معین «*y*» به عنوان نشانه ماضی بعید در کردی کلهری

بنابر دلایل آوایی واژه‌بست است.

55) *xwârd-y-mən → xwâr-dy-mən*

eat-was-1.PL

خورده بودیم → شناسه+نشانه ماضی بعید+خورد

56) *kaft-y-mən → kař-tu-mən*

fall-was-1.PL

افتاده بودیم → شناسه+نشانه ماضی بعید+افتاد

57) *najšt-y-mən → najš-tu-mən*

seat-was-1.PL

نشسته بودیم → شناسه+نشانه ماضی بعید+نشست

همان‌گونه که در مثال‌های (۵۵) تا (۵۷) می‌بینیم، نشانه ماضی بعید «*y*» به آخر پایه فعل

اضافه شده و از نظر آوایی وابسته به پایه فعل است. معادل فارسی فعل معین «*y*» به عنوان نشانه

ماضی بعید در فارسی یک واژه آزاد و مستقل است. ولی همان‌گونه که دیده شد، در کردی کلهری واژه‌بست است و این یک نکته تازه و دستاورد جدید این پژوهش است.

۴-۴-۶. **نشانه مجهول:** در کردی کلهری «*jâ*» نشانه مجهول است که بلافاصله بعد از ستاک فعل می‌آید. این نشانه از لحاظ آزمون صرفی وابستگی، توزیع و خلاء اتفاقی واژه‌بست پی‌بستی است که به ترتیب وابسته به فعل است و امکان ظهور آن در سازه بدون فعل وجود ندارد. این نشانه از نظر توزیع در فعل‌های متعدی می‌آید و با توجه به حضورش در تمام فعل‌های متعدی فاقد خلاء اتفاقی است. داده‌های (۵۸) تا (۶۰) گواه و مؤید این گفته‌ها می‌باشند.

58) *wat-jâ*

say-PAS

گفته شد.

59) *nys-jâ*

write-PAS

نوشته شد.

60) *xwær-jâ*

eat-PAS

خورده شد.

همان‌گونه که در موارد (۵۸) تا (۶۰) می‌بینیم، وجود نشانه مجهول «*jâ*» وابسته به فعل است. از نظر توزیع تنها در پایان افعال متعدی می‌آید و در توزیع آن خلاء اتفاقی وجود ندارد و بدون استثنا در پایان همه افعال متعدی ظاهر می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش واژه‌بست‌های زبان کردی گویش کلهری گونه ایلامی شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. برای انجام این کار از الگوهای تشخیص واژه‌بست در مقاله شقاقی (۱۳۷۴)

کمک گرفته شد. این الگوها با عنوان آزمون‌های انتخابی معرفی می‌شوند که شامل آزمون‌های آوایی، صرفی و نحوی هستند. بر اساس نتایجی که از بررسی تکواژهای وابسته در کردی کلهری به‌دست آمد، هر یک از این آزمون‌ها با ارائه شواهدی به‌طور مفصل توضیح داده شدند و برای تأیید واژه‌بست‌ها به‌کار گرفته شدند.

بررسی تکواژهای وابسته در کردی کلهری گونه ایلامی نشان می‌دهد که واژه‌بست کاربرد فراوانی در این گویش دارد. بر اساس داده‌های ارائه‌شده، با مطابقتی که با آزمون‌های ذکرشده انجام گرفت، واژه‌بست‌های کردی کلهری به صورت پی‌بست در ضمائر شخصی پی‌بستی، افعال ربطی، نشانه مفعول، نشانه معرفه، نشانه نکره، نشانه ماضی بعید و نشانه مجهول به‌کار می‌روند. بنابراین، واژه‌بست‌های کردی کلهری به انتهای حوزه عملکردی خویش اضافه می‌شوند و بعد از سازه حاشیه‌ای حوزه کاربردی (حوزه قلمرو سازه) به‌کار می‌روند. بر اساس الگوی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) و نیز کلاونس (۱۹۸۵) واژه‌بست‌های کردی کلهری پایانی-پی‌بستی هستند. به نظر می‌رسد که الگوی پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) که توسط شقاقی (۱۳۷۴) نیز برای تشخیص واژه‌بست‌های زبان فارسی به‌کار برده شده است، می‌تواند زمینه مناسبی را برای تشخیص واژه‌بست‌ها از وندهای کردی کلهری، به‌خصوص وندهای تصریفی، فراهم کند. پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌های انجام‌گرفته، نشان می‌دهد که در حقیقت نمی‌توان در مطالعات مربوط به واژه‌بست فقط به اصول ساخت‌واژی تکیه کرد و پارامترهای واج‌شناسی و نحوی را نادیده گرفت. به بیان دیگر، کاربرد قواعد و اصول واج‌شناسی و نحوی است که درک بهتری از واژه‌بست را ممکن می‌سازد.

به اعتقاد نگارندگان، مهم‌ترین اهمیت این پژوهش این است که جزو اولین پژوهش‌هایی است که در کردی کلهری صورت گرفته است. مهم‌ترین کاربرد پژوهش حاضر این است که می‌توان از آن در دستورنویسی و تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی استفاده کرد، زیرا اگر این‌گونه کتاب‌ها مبتنی بر مبانی علمی زبان‌شناسی باشند و بر اساس یافته‌های جدید آن به‌روز شوند، دقت مطالب آن‌ها بیش‌تر می‌شود و ناهماهنگی‌های میان آن‌ها از بین می‌رود. به این ترتیب این پژوهش می‌تواند کمک شایانی به آموزش زبان کردی نماید. همچنین، نکته تازه و دستاورد جدید این پژوهش شناسایی و توصیف دو نشانه «*y*» و «*ǰá*» است که «*y*» به عنوان فعل ربطی و نیز

به عنوان نشانه معین در ساختار فعل ماضی بعید و «*jâ*» به عنوان نشانه مجهول ایفای نقش می‌کنند.

فهرست منابع

- خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۴). نشانه مطابقه مفعولی در فارسی. مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، به کوشش دکتر مصطفی عاصی، صص ۲۷۵-۲۸۵.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۶). توصیف افعال مرکب پی‌بستی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌های فارسی. فرهنگ‌نویسی، (۱) صص ۲۳۶-۲۵۲.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۷). ضمائر تکراری در زبان فارسی. دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، (۴)، صص ۱۸۳-۱۸۹.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۲ (۲)، صص ۷۵-۸۵.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟. مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۶). مبانی صرف. تهران: سمت.
- صراحی، محمد امین. و علی‌نژاد، بتول. (۱۳۹۲). رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۵ (۱)، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- مزینانی، ابوالفضل، کامبوزیا، عالییه. و گلغام، ارسلان. (۱۳۹۲). پی‌بست‌های ضمیری فارسی میانه و ظهور ضمیرگذاری تکراری در این زبان. مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی، به کوشش دکتر محمد راسخ‌مهند، صص ۷۳-۹۳.
- مزینانی، ابوالفضل، کامبوزیا، عالییه. و گلغام، ارسلان. (۱۳۹۴). بررسی نظام واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، دوره جدید، (۵)، صص ۸۱-۱۰۱.
- مزینانی، ابوالفضل. و شریفی، شهلا. (۱۳۹۴). بررسی نظام واژه‌بستی ضمیری در تاریخ زبان فارسی و علل تحول آن. جستارهای زبانی، ۶ (۴)، پی‌پی ۲۵، صص ۲۷۵-۳۰۷.

- مفیدی، روح‌الله. (۱۳۸۶). تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو. دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، (۳)، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- ممسنی، شیرین. (۱۳۸۰). توصیف و بررسی واژی-نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- معین، محمد. (۱۳۴۰). مفرد و جمع. تهران: امیرکبیر
- نغزگوی گهن، مهرداد. (۱۳۸۹). از واژه‌بست تا وند تصریفی. بررسی تحول تاریخی بعضی واژه بست‌های فارسی جدید. دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، (۶)، صص ۷۷-۹۹.
- نورعلی‌وند، اسماء. (۱۳۹۰). بررسی و توصیف واژه‌بست در گویش لری دره‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
- Aikhenvald, A. Y. (2003). Typological Parameters for the Study of Clitics, with Special Reference to Tarina. In: R. N. W. Dixon and A. Y. Aikhenvald (Eds.). *Word: A Cross-Linguistic Typology* (pp. 42-78). Cambridge: Cambridge University press.
- Anderson, S. R. (1992). *A-Morphous Morphology*. Cambridge: Cambridge University press.
- Booij, G. (2007). *The Grammar of Word*. Oxford: Oxford University Press.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Halpern, A. (1995). *On the Placement and Morphology of Clitics*. Standard: CSLI Publications.
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Mcmillan Press LTD.
- Katamba, F. & Stonham, J. (2006). *Morphology*. London: Palgrave Mcmillan.
- Klavans, J. (1982). *Some Problems in a Theory of Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.
- Klavans, J. (1985). The Independence of Syntax and Phonology in Cliticisation. *language*, (61), pp. 95-120.
- Russi, C. (2008). *Italian Clitic: An Empirical Study*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Taylor, A. (1990). *Clitic and Configurationality in Ancient Greek*. Doctoral diss. University of Pennsylvania.

-
- Spenser, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford & Cambridge: Blackwell.
- Zwicky, A. (1977). *On Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.
- Zwicky, A. (1985). Clitics and Particle. *Language*, (61), pp. 283-305.
- Zwicky, A. M. (1994). Clitics. *Encyclopedia of Language and linguistics*. ed. 61. R.E. Asher. Pergamon Press, (2) pp. 571-575.
- Zwicky, A. & Pullum, G. (1983). Cliticisation vs. Inflection: *Language*, (59), pp. 502-513.

Clitic in Kalhori Kurdish of Ilam

Habib Gowhari
Mehdi Mehdizade
Gholam Hossein Karimidoostan
Tayebeh Khoshtakht

Abstract

Clitics are medial linguistic units that have some characteristics of both affixes and words. The present research has been done to investigate clitics in Kalhori Kurdish of Ilam dialect. This investigation was done through a descriptive-analytic method whose data has been collected by referring to numerous resources of Kalhori Kurdish of Ilam and the linguistic intuition of the authors of this research. The patterns used to identify these clitics in this article are those criteria applied by Shaqaqi (1374) adopted from Zwicky and Pullum (1983) to investigate and classify the morphemes of the Persian Language. The results of this research show that the clitics of Kurdish dialect include: enclitic personal pronouns, object marker, linking verbs, marker of indefinite nouns, and the marker of past perfect tense and passive marker. Of these clitics, pronoun clitics (personal pronouns) have an agreement rule. This article shows also that the model of Zwicky and Pullum (1983) can be used as an appropriate scientific tool to identify and study Kurdish language clitics. The new achievement of this research is identifying "q" clitic as the marker of the auxiliary verb in the past perfect tense and the existence of "ja" clitic for the passive verb.

Keywords: Clitics, Affixes, Agreement, Kalhori Dialect, Kurdish of Ilam